

خلاصه‌نویسی را به کودکان بیاموزیم

خلاصه، بیان مختصر و کوتاه نکات اصلی یک موضوع یا مطلب است. در بسیاری از کشورها مهارت خلاصه کردن، به‌عنوان بخشی از درس ادبیات، در سال‌های پایانی دوره ابتدایی به کودکان آموخته می‌شود. یاد گرفتن شیوه خلاصه‌سازی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا به خواننده کمک می‌کند آنچه را خوانده است به خاطر بیاورد و دانسته‌ها و یافته‌های خود را به سادگی با دیگران در میان بگذارد. اگرچه دست یافتن به این مهارت ممکن است دشوار باشد، اما روش‌هایی وجود دارد که به والدین و معلمان کمک می‌کند خلاصه‌سازی را به شکلی مناسب به کودکان بیاموزند. در ادامه، مراحل آموزش خلاصه‌نویسی توضیح داده شده است.

کلیدواژه‌ها: خلاصه‌نویسی، موضوع کلیدی، عناصر داستان، ایده اصلی

گام اول: آموزش خلاصه‌سازی به شیوه صحبت کردن با کودکان درباره فعالیت‌های روزمره آن‌ها

۱. به کودکان در هر سنی کمک کنید که درباره روزی که گذرانده‌اند حرف بزنند. اجازه بدهید که مدتی طولانی و بی‌وقفه صحبت کنند و همه‌چیز را بگویند و شما فقط به آن‌ها گوش دهید. تعریف کردن یک قصه طولانی واقعی و حرف زدن درباره آن، زمینه را برای خلق خلاصه، به‌ویژه خلاصه داستانی، آماده می‌کند.

۲. به کودکان بیاموزید که روی یک واقعه خاص تمرکز کنند و پس از تمرکز بر آن رویداد، آن را بازگو نمایند. برای آسان‌تر کردن این بازگویی از کودک بخواهید بر شش محور اصلی متمرکز شود. این کار به او کمک خواهد کرد که مهم‌ترین بخش‌های یک ماجرا یا قصه را بردارد و آن را خلاصه کند.

● پس، بر این شش محور اصلی باید تمرکز کنند: چه کسی، چه چیزی، چه وقت، کجا، چگونه، و چرا. برای مثال، بچه‌ها را وادار کنید درباره امتحانی که داده‌اند

صحبت کنند؛ از جمله درباره اینکه معلم آن درس کیست، از چه موضوعی امتحان گرفته، چه زمانی امتحان گرفته، امتحان چه مدت طول کشیده است و چرا آن‌ها فکر می‌کنند که خوب امتحان داده‌اند یا بد.

البته در بعضی وقایعی که در زندگی ما پیش می‌آید، طرح این شش سؤال و پاسخ دادن به همه آن‌ها، به‌ویژه سؤال «چرا»، سخت است. پس، یادتان باشد که گاهی نمی‌توان به هر شش سؤال پاسخ داد.

گام دوم: توضیح دادن خلاصه‌نویسی با یک مثال برای

کودکان همه سنین

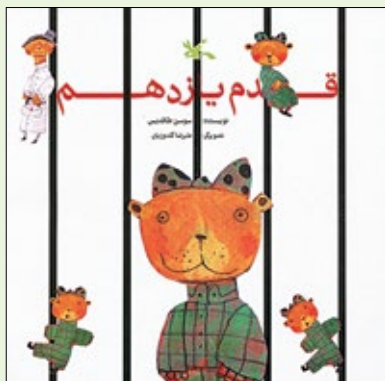
۱. قسمت کوتاهی از یک متن، یا یک داستان کوتاه را انتخاب کنید که چندان طولانی و از نظر اطلاعاتی متراکم نباشد. در این صورت، می‌توانید مفاهیم مورد نظر خود را با حداقل درگیری به کودکان آموزش دهید.

۲. متن یا داستان را به دقت بخوانید. به کودکان بیاموزید که

بیا یاد یک داستان را با هم خلاصه کنیم

مرحله اول: خواندن داستان

۱. داستان را به دقت بخوانید. یادتان باشد که خلاصه کردن داستان بدون خواندن دقیق آن، اگرچه غیرممکن نیست اما دشوار است. بنابراین کتابی را که خودتان برای خلاصه کردن انتخاب کرده‌اید یا قرار است، به‌عنوان تکلیف درسی، خلاصه کنید، بردارید و شروع به خواندن کنید. اگر به جای کتاب، داستان را به صورت صوتی در اختیار دارید، گوشی را در گوشتان بگذارید و با آی‌پاد یا تلفن همراه شنیدن داستان را شروع کنید. توجه: به بسیاری از خلاصه‌هایی که در سایت‌های اینترنتی گذاشته شده‌اند، نمی‌توانید اطمینان کنید؛ چون ممکن است دقیق و درست نباشند. همان‌طور که دارید قصه را می‌خوانید (یا می‌شنوید)، طرح یا نقشه آن را دنبال کنید. مثلاً در قصه «قدم یازدهم» طرح داستان این است که بچه شیری که در باغ وحش



ممکن است برای شما هم، پیش آمده که داستانی را خوانده و دوست داشته‌اید آن را خلاصه کنید؛ یا اینکه معلم در کلاس فارسی کتابی را به شما معرفی کرده و خواسته است که، به‌عنوان تکلیف، خلاصه آن را بنویسید، ولی شما نمی‌دانستید که چگونه باید این کار را انجام دهید. برای همین، از بزرگ‌ترها پرسیده‌اید یا با مراجعه به کتاب‌های راهنما و اینترنت، در این باره اطلاعاتی کسب کرده‌اید. به هر حال، اگر هنوز هم نمی‌دانید که چگونه باید یک کتاب را خلاصه کنید، این مقاله را بخوانید. در اینجا درباره اینکه خلاصه‌نویسی چیست و چگونه باید انجام گیرد اطلاعاتی کسب می‌کنید. در نوشتن این مقاله، ما از داستان «قدم یازدهم» نوشته خانم سوسن طاق‌دیس به‌عنوان نمونه عملی استفاده کرده‌ایم.

خلاصه، شکل مختصر و کوتاه یک متن مفصل با توجه به نکات اصلی و مهم آن است. مهارت خلاصه‌نویسی برخلاف ظاهر ساده‌اش یکی از مهارت‌های نوشتاری پیچیده است اما اگر منظور از آن را بدانید و مراحل آن را بیاموزید، انجام دادنش برایتان آسان خواهد شد؛ درست مثل آب خوردن. پس آماده باشید! می‌خواهیم مراحل خلاصه‌نویسی یک کتاب داستانی را با هم مرور کنیم.

زندگی می‌کند، در قفسش باز مانده است، اما چون قدم یازدهم را بر نمی‌دارد، نمی‌تواند از این موقعیت استفاده کند و از قفس بیرون برود و آزادی خود را به دست آورد!

یادتان باشد که این مرحله، اولین مرحله آماده شدن برای خلاصه‌نویسی است. پس اگر هنوز در مسیر داستان قرار نگرفته‌اید، با دقت بیشتری بخوانید (یا بشنوید) و به‌طور کامل بر کتاب تمرکز کنید. هیچ چیز نباید حواستان را پرت کند. در ادامه خواندن کتاب، بر داستان احاطه پیدا می‌کنید.

کل یک قطعه یا داستان را بی صدا یا با صدای بلند بخوانند. بعضی از بچه‌ها وقتی متن را بلند می‌خوانند آن را بهتر درک می‌کنند. در حالی که بعضی در صورت بی صدا خواندن بهتر می‌فهمند. بر خواندن دقیق متن تأکید کنید و به کودکان بگویید که از چیزی، نخوانده رد نشوند.

۳. توضیح دهید که خلاصه باید شامل چه اطلاعاتی باشد. اگر چند مفهوم و موضوع کلیدی و مهم متن را به کودکان معرفی کنید و بخواهید که آن‌ها را به خاطر بسپارند یا یادداشت کنند، خلاصه کردن برایشان آسان‌تر خواهد شد.

هنگام خواندن یک متن داستانی، با هدف خلاصه کردن، به عناصر و مؤلفه‌های مهم آن باید توجه کرد. این عناصر و مؤلفه‌ها عبارتند از:

الف. طرح یا پیرنگ؛ که چارچوب و نقشه داستان، با تکیه بر روابط علت و معلولی و پاسخی دقیق به این پرسش است که داستان درباره چیست.

ب. شروع: نقطه خروج داستان از حالت تعادل و توازن و ورود آن به موقعیت کشمکش و ناپایداری است. شروع داستان و فضای آن و نیز لحن نویسنده در این بخش، نقش مهمی در جذب خواننده به داستان دارد.

پ. کشمکش: طرح داستان از موقعیتی پایدار شروع می‌شود و با پیش آمدن کشمکش به حالت ناپایدار می‌رسد و به پیش می‌رود. این کشمکش در داستان ممکن است بین افراد انسان، انسان و طبیعت، انسان و جامعه، و انسان و خودش باشد.

ت. گسترش: کشمکش و ناپایداری باعث پیدایش سؤال‌هایی در داستان می‌شود که پاسخ دادن به آن‌ها، موجب می‌شود داستان گسترش یابد.

ث. تعلیق: وضعیتی که در آن خواننده با شخصیت‌ها همذات‌پنداری می‌کند و دلش می‌خواهد بداند برای آن‌ها چه اتفاقی می‌افتد اما قادر به پیش‌بینی دقیق ادامه ماجرا نیست.

ت. نقطه اوج: جایی است که تنش داستان به اوج می‌رسد و بزرگ‌ترین چرخش‌ها در شخصیت‌ها یا ماجرای داستان پیش می‌آید.

ث. گره‌گشایی: در این بخش، گره‌های کور داستان باز می‌شوند و داستان به سطح تازه‌ای از تعادل می‌رسد.

ج. پایان: صحنه‌ای کوتاه پس از گره‌گشایی است که داستان در آن بسته می‌شود.

چ. شخصیت‌ها: افرادی که در داستان حضور دارند و در روند داستان تأثیر می‌گذارند.

ح. جزئیات صحنه (فضاسازی): شامل مکان و زمان وقوع رویدادهاست.

خ. پیام اصلی داستان: که از کلیت متن درک و دریافت می‌شود.

۴. به کودکان نشان دهید که ایده اصلی متن در کجاست. در داستانی که انتخاب کرده‌اید ایده اصلی را مشخص کنید و بگویید که این ایده معمولاً در کجا قرار دارد و چرا مهم است. (اغلب در نزدیکی نقطه آغاز داستان، در چند بند اولیه است اما در سراسر متن گسترش می‌یابد).

۵. به کودکان نشان دهید که جزئیات مهم در کجا هستند. همان‌طور که متن را می‌خوانید و پیش می‌روید، نمونه‌هایی را به آن‌ها نشان بدهید. توضیح دهید که چگونه این جزئیات در پیشبرد ایده اصلی اهمیت دارند. از آن‌ها بخواهید جزئیاتی را که مهم می‌دانند، بیان کنند و توضیح دهند که چرا بعضی جزئیات مهم‌ترند.

و می‌توانید همراه با طرح و نقشه داستان پیش بروید.

۲. یادداشت برداری.

هنگام خواندن کتاب، نکاتی را که مهم می‌دانید یادداشت کنید. از این یادداشت‌ها در خلاصه‌تان حتماً استفاده خواهید کرد. موقع نوشتن خلاصه، تصمیم می‌گیرید که بعضی از نکات فرعی و غیرلازمی را که یادداشت کرده‌اید، کنار بگذارید اما در این مرحله، همه نکاتی را که مهم به نظر می‌رسند، یادداشت کنید. در یادداشت‌هایتان به دنبال پاسخ دادن به این سؤال‌ها باشید: چه کسی؟ چه چیزی؟ چه وقت؟ چگونه؟ کجا و چرا؟! این سؤال‌ها اساس مطلبی است که قرار است در خلاصه بنویسید.

در یادداشت‌هایتان:

● شخصیت‌های اصلی را شناسایی کنید.

شما باید بدانید که داستان درباره چیست. کدام شخصیت‌ها اصلی و مهم‌اند و کدام‌ها در جریان داستان اهمیت چندانی ندارند. اگر تعداد شخصیت‌ها زیاد است، می‌توانید بسیاری از آن‌ها را که اهمیت کمتری دارند، از قلم بیندازید و در خلاصه هم درباره‌شان چیزی ننویسید.

برای مثال، در داستان «قدم یازدهم» شیر کوچولو، مادرش، و نگهبان باغ‌وحش سه شخصیت اصلی هستند که داستان را به پیش می‌برند، پس اگر هر کدام از آن‌ها نباشد، داستان دچار مشکل می‌شود و ادامه پیدا نمی‌کند. بنابراین نمی‌توانید، آن‌ها را حذف کنید. اما مردم، مأمورهای باغ‌وحش، گوینده رادیو، آن‌ها که از شیر خوششان می‌آید، آن‌ها که از شیر بدشان می‌آید و... شخصیت‌های فرعی این داستان هستند؛ یعنی نبودنشان در جریان داستان تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند اگرچه بودنشان باعث رونق و گسترش داستان می‌شود. پس، لازم نیست در خلاصه درباره آن‌ها بنویسید، یا بهتر است فقط اشاره‌ای به آن‌ها داشته باشید.

● درباره فضای داستان بنویسید.

منظور از فضای داستان، زمان و مکانی است که حوادث در آن روی می‌دهند. اگر صحنه داستان شما جاهای مختلف باشد، کارتان دشوار می‌شود، اینجا نیز بهتر است محل‌های مهم را در خلاصه بیابید و غیر مهم‌ها را از قلم بیندازید یا به آن‌ها فقط اشاره کنید. در داستان «قدم یازدهم»، قصه در یک باغ‌وحش اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، باغ‌وحش و قفس شیرها فضای اصلی داستان است.

● «کشمکش» داستان را بنویسید.

منظور از کشمکش، مشکل یا مشکلات اصلی است که شخصیت‌ها باید بر آن (یا آن‌ها) غلبه کنند. در بعضی داستان‌ها، کشمکش میان شخصیت‌هاست (کشمکش انسان با انسان)؛ در حالی که در بعضی دیگر، کشمکش انسان با طبیعت یا با جامعه و یا با خودش است. در داستان «قدم یازدهم» «کشمکش» از گم شدن شیر کوچولو به‌وجود می‌آید. پس، کشمکش اصلی، گم شدن شیر کوچولو و نگرانی همه از رفتن او به میان مردم و خطری است که مردم را تهدید می‌کند. در خلاصه هم کافی است به همین کشمکش اشاره کنید. کشمکش‌های فرعی داستان نیز میان شیر کوچولو و شرایط جدید او است، یعنی همین موقعیتی که شیر کوچولو با آن آشنا نیست، چون حالا دیگر در قفس و کنار مادرش نیست بلکه در فضای ناشناختی زیر بوته یاس خوابش برده است.

● حوادث اصلی را بنویسید.

مهم‌ترین بخش‌های هر داستان حوادث اصلی هستند. لازم نیست در خلاصه خود، همه کارهایی را که یک شخصیت، حتی شخصیت اصلی انجام می‌دهد، بنویسید بلکه باید به کارهای مهم که مشکل را افزایش می‌دهند و یا به حل و رفع آن کمک می‌کنند اشاره کنید. برای مثال، ضرورتی ندارد که در خلاصه داستان «قدم یازدهم» به همه کارهایی که شیر کوچولو یا مادرش



۶. متن را در یک یا دو جمله خلاصه کنید و با این کار، نمونه‌ای عملی از خلاصه‌سازی را در اختیار کودکان بگذارید. دادن یک نمونه، از اضطراب کودکان می‌کاهد و به آنان نشان می‌دهد که شما چه انتظاری از آنان دارید. به کودکان نشان دهید که چگونه در خلاصه‌سازی، ایده اصلی و جزئیات مهم با توصیفی مختصر به هم پیوند می‌خورند.

گام سوم: ارائه یک نمونه عملی خلاصه‌سازی به کودکان مدرسه‌ای

۱. به کودکان بیاموزید که یک قطعه یا عبارت را در یک بند خلاصه کنند.

آن‌ها ابتدا باید بتوانند با استفاده از شش سؤال اصلی، مشخص کنند که در یک متن گفتاری یا نوشتاری چه حقایق و اطلاعاتی اهمیت دارند. پس از آن، می‌توانند خلاصه‌سازی بخشی از یک کتاب یا نوشته و یا یک داستان کوتاه را تمرین کنند. تمرین حتماً باید روی یک متن کوتاه صورت گیرد؛ چون خواندن و استخراج اطلاعات مهم از آن آسان‌تر است.

در صورت موفقیت در این تمرین، کودکان با تلاش بیشتر موفق به خلاصه‌سازی متن‌های طولانی‌تر خواهند شد.

۲. به کودکان نشان دهید که ایده اصلی را چگونه پیدا کنند. در آثار ادبی، کل متن حاوی یک ایده مرکزی و اصلی و هر بند (پاراگراف) نیز دربردارنده یک ایده اصلی است. این ایده، اغلب در جمله اول یا جمله موضوعی قرار دارد اما می‌تواند در هر جای بند هم باشد. اگر بچه‌ها بتوانند ایده اصلی هر بند را پیدا کنند، دنبال کردن ایده اصلی داستان برایشان بسیار آسان خواهد شد.

۳. برای بچه‌ها، درباره اهمیت جزئیاتی که ایده اصلی را حمایت می‌کنند توضیح دهید. در کنار جمله اول یا جمله موضوعی، که ایده اصلی در آن قرار گرفته است، بقیه جمله‌های یک بند کمابیش حمایت‌کننده ایده اصلی هستند. البته همه جزئیات حاوی اطلاعات اصلی نیستند و بنابراین، فقط از بعضی از آن‌ها در خلاصه استفاده می‌شود.

از کودکان بخواهید که متن را با دقت بخوانند و به دنبال جزئیاتی بگردند که به کمک آن‌ها می‌توانند به شش سؤال اصلی پاسخ دهند.

● برای مثال، اگر متن درباره رویدادی تاریخی است، باید جست‌وجو کنند که آن رویداد چه وقت، کجا، به وسیله چه کسی، چرا و... پیش آمده است.

۴. کودکان می‌توانند از اطلاعاتی که متن به آن‌ها می‌دهد، یادداشت بردارند.

گام چهارم: تهیه یک خلاصه نوشتاری همراه با کودکان

۱. از کودکان بخواهید که بند خلاصه خود را با یک جمله موضوعی (حاوی ایده اصلی) شروع کنند. وقتی کودک از همه جزئیات مهم یادداشت برداشته باشد و آن‌ها را می‌داند، لازم است به او کمک کنید تا خلاصه‌اش را بنویسد. یافته‌ها و اطلاعات او باید به هم پیوند بخورند و به کمک عناصر زبانی، در قالب یک بند خلاصه کوتاه و بامفهوم قرار گیرند.

۲. به کودکان کمک کنید که جمله‌های سازنده بدنه خلاصه را به کمک جزئیات پشتیبانی‌کننده شکل دهند. آن‌ها را راهنمایی کنید که بعضی از جزئیات را که حاوی اطلاعات مهمی هستند، به

هر روز انجام می‌دهند یا همه کارهایی که مردم یا مأموران باغ‌وحش پس از گم شدن شیر کوچولو انجام می‌دهند اشاره کنید، اما نوشتن درباره اینکه چه شد که شیر کوچولو گم شد یا شیر کوچولو در بیرون از قفس چه کرد، لازم است.

۷. نتیجه را بنویسید.

نتیجه، حادثه‌ای بزرگ است که اغلب، کشمکش یا مشکل اصلی داستان را فیصله می‌دهد و مشکلات را حل می‌کند. در داستان «قدم یازدهم» برگشتن شیر کوچولو به قفس، پایان و نتیجه داستان است و باعث حل همه مشکلات او می‌شود (گره‌گشایی). بازگشت شیر کوچولو در واقع، گره کور داستان را باز می‌کند؛ آن هم زمانی که نگرانی مردم به اوج رسیده است و همه در حال تلاش برای پیدا کردن شیر کوچولو هستند (وج داستان). اگر در داستانی که خلاصه می‌کنید گفت‌وگو زیاد است، لازم نیست در خلاصه آن همه گفت‌وگوها را بیاورید.

مرحله دوم: نوشتن خلاصه

۱. یادداشت‌هایتان را سروسامان بدهید.

اگر از همه آنچه که گفتیم یادداشت برداشته‌اید، حالا برای خلاصه‌نویسی آماده‌اید. پس یادداشت‌هایتان را براساس وقایعی که به ترتیب در داستان رخ داده است سازماندهی کنید. توجه داشته باشید که داستان از کجا شروع و در کجا تمام می‌شود و شخصیت‌های اصلی چگونه از اول داستان به آخر آن می‌رسند.

۲. خلاصه را بنویسید.

حالا که همه یادداشت‌هایتان را با ترتیب مناسب مرتب کرده‌اید، نوشتن خلاصه آسان است. داستان‌های کوتاهی مثل «قدم یازدهم» را در یک بند (پاراگراف) خلاصه کنید و در آن به شش سؤال مهمی که قبلاً به آن‌ها اشاره کرده‌ایم، پاسخ دهید. البته پاسخ مناسب آن‌ها را هم قبلاً در

یادداشت‌هایتان فراهم کرده‌اید. در همین بند کوتاه:

- نخست، کتاب را معرفی کنید؛ نام کتاب، نویسنده، سال نشر و نام ناشر را بیاورید.
- اگر داستان جایزه خاصی برده یا پرفروش بوده است، آن را مطرح کنید. مثلاً «قدم یازدهم» در سال ۱۳۸۴ برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است.
- خلاصه داستان را به دقت بنویسید. یادتان باشد که پاسخ آن شش سؤال اصلی را باید در آن بیاورید. البته، به سؤال «چرا» بعضی وقت‌ها پاسخی داده نمی‌شود.
- خلاصه را می‌توانید به زمان حال یا گذشته بنویسید. فرقی نمی‌کند که زمان قصه حال است یا گذشته؛ فقط هر زمانی را که انتخاب می‌کنید، در سراسر خلاصه آن را رعایت کنید.
- اگر شخصیت اصلی اول شخص مفرد (من) است و قصه از زبان او نقل می‌شود، هنگام خلاصه‌نویسی «من» را به «او» تغییر دهید؛ مثلاً اگر در داستان آمده است: «من آن روز دیر به مدرسه رسیده بودم؛ برای همین می‌ترسیدم مدیر سر برسد و موقع رفتن به کلاس، مرا ببیند.» شما بنویسید: این چند جمله را این‌طور تغییر بدهید: «او آن روز دیر به مدرسه رسیده بود؛ برای همین، می‌ترسید مدیر سر برسد و موقع رفتن به کلاس او را ببیند.»
- حجم خلاصه شما تا حدودی به حجم داستانی که آن را خلاصه می‌کنید، بستگی دارد. البته گفته‌اند که خلاصه می‌تواند یک چهارم (¼) متن اصلی باشد، اما آن را کوتاه‌تر هم می‌توانید بنویسید. بهتر است داستان‌های کوتاه را در یک بند و داستان‌های بلند و رمان‌ها را در چند بند خلاصه کنید.

● قضاوت و داوری خود را وارد خلاصه نکنید. مثلاً اگر در متن از یکی از شخصیت‌ها خوشتان نمی‌آید، درباره او بد ننویسید. به رأی و نظر نویسنده احترام بگذارید و از دریچه چشم او داستان را خلاصه کنید.

زبان خود توضیح دهند و در متن خلاصه بگنجانند. جمله‌هایی را هم که به شش سؤال پیشین جواب می‌دهند در خلاصه بیاورند.

● مهم است که جمله‌ها در خلاصه تا حد امکان کوتاه و فشرده و دقیق باشند.

۱. به کودکان بگویید که بند خلاصه را بازخوانی کنند. وقتی نوشتن خلاصه تمام می‌شود، باید آن را بخوانند تا مطمئن شوند که متن از اول تا آخر خوب پیش رفته است. آن‌ها همچنین باید خلاصه را با متن اصلی مقایسه کنند و مطمئن شوند که نکات اصلی به شیوه‌ای فشرده در متن خلاصه آمده است.

● اگر خلاصه‌نویسی تکلیف مدرسه بچه‌هاست و با هدف گرفتن نمره صورت می‌گیرد، مهم است که در آن از جمله‌های دستوری صحیح، علائم سجاوندی بجا و کلمه‌هایی با املائی درست استفاده شده باشد. البته اگر از خلاصه فقط به‌عنوان راهنمای شخصی هم استفاده می‌شود، تأکید بر دستور زبان صحیح مناسب و املائی درست و نشانه‌گذاری بجا که خواندن و فهمیدن خلاصه را آسان‌تر می‌کند، لازم است.

۴. از کودکان بخواهید که خلاصه‌نویسی را هر روز تمرین کنند. از آنجا که اولین خلاصه‌نویسی‌های کودکان ممکن است خیلی ضعیف و سرسری باشد، به آن‌ها درباره کیفیت نوشته‌هایشان بازخورد بدهید و به ویژه، بگویید که دفعه بعد چه موردی را باید در نوشته خود بهبود بخشند. این امر نه فقط در این شکل از نوشتن به آن‌ها کمک می‌کند بلکه آنان را برای موفقیت در نوشتن متن‌های دشوارتر بعدی آماده می‌سازد.

حجم خلاصه تابع حجم متنی است که قرار است خلاصه شود. گفته می‌شود که متن‌های کوتاه، به ویژه کتاب‌های کودک و

نوجوان را در یک بند و کتاب‌های طولانی‌تر (برای مثال رمان) را در چند بند می‌توان خلاصه کرد. البته بعضی هم می‌گویند که حجم خلاصه می‌تواند یک چهارم ($\frac{1}{4}$) متن اصلی باشد.

لازم است کودکان و نوجوانان خلاصه‌های خود را به زبان معیار رسمی که در مدرسه آموزش داده می‌شود، بنویسند. آن‌ها ضمن به‌کارگیری این زبان، خلاصه را طبق روایت و لحن خود می‌نویسند. پس، لازم نیست در نوشته‌شان مطالب را به‌طور مستقیم از زبان نویسنده نقل کنند. استفاده مکرر از زبان و منطق خود در هنگام نوشتن خلاصه، توانایی منطقی خلاصه‌نویس را در نوشتن و استدلال کردن افزایش می‌دهد. در عین حال، خواندن متن او را برای دیگران آسان‌تر می‌کند. گاهی پیش می‌آید که بچه‌ها جمله‌ای از متن اصلی را دوست دارند و دلشان می‌خواهد آن را به‌طور مستقیم در خلاصه خود بیاورند؛ در این صورت: ۱. نباید زیاد از چنین جمله‌هایی استفاده کنند و ۲. گفته‌های نویسنده را در گیومه بیاورند؛ یک گیومه در ابتدای گفته نویسنده و یک گیومه در انتهای آن!

مهارت خلاصه‌نویسی کودک را قادر می‌سازد که اطلاعات مورد نیازش را به خاطر بسپارد، مفاهیم اصلی و کلیدی متونی را که می‌خواند، درک کند، به ارتباط میان عناصر و مؤلفه‌های متن پی ببرد و هنگام نوشتن، این ارتباط را در متن خود برقرار سازد. همچنین در شناخت اشتباهات نگارشی و خطاهای املائی و منطقی خود توانا شود و در نهایت، با مدیریت مناسب، متن بلندی را در عبارتی اندک جای دهد و حفظ کند. به علاوه، دانش‌آموز باید ضرورت تعامل با دیگران و قدر نهادن به نظرات آنان را بیاموزد و تمرین کند که چگونه از این نظرات برای هر چه بهتر کردن نوشته‌اش بهره‌مند شود.

● در سراسر نوشته خود رعایت نکاتی، از جمله ارتباط جمله‌ها با هم، پرهیز از درازگویی، تمرکز بر موضوع و نکته‌های اصلی، و خودداری از بیان جزئیات غیرمهم و فرعی را در نظر داشته باشید.

در اینجا خلاصه داستان «قدم یازدهم» را با هم می‌خوانیم.

خلاصه کتاب «قدم یازدهم»

کتاب «قدم یازدهم» نوشته سوسن طاق‌دیس در سال ۱۳۸۴ منتشر شده و ناشر آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این کتاب در همان سال انتشار موفق به دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است. کتاب، داستان زندگی بچه شیری است که با مادرش در یک باغ‌وحش زندگی می‌کند. او در قفس به دنیا آمده و همان‌جا در کنار مادرش رشد می‌کند و بزرگ می‌شود. طول قفس برای شیر کوچولو فقط ده قدم است؛ بنابراین، او پس از این ده قدم به انتهای قفس می‌رسد.

یک روز اتفاق جالبی می‌افتد. نگهبان یادش می‌رود در قفس را ببندد و شیر کوچولو، هنگام قدم زدن، از قفس بیرون می‌رود، اما چون در قفس هر بار فقط ده قدم برداشته و به میله‌های قفس رسیده است، فکر می‌کند حالا هم اگر قدم یازدهم را بردارد، سرش به میله‌های قفس می‌خورد و درد می‌گیرد. او نمی‌داند که اگر قدم یازدهم را بردارد می‌تواند آزاد شود و برود. شیر کوچولو در بیرون قفس، زیر درخت یاس خوابش می‌برد. نگهبان وقتی متوجه می‌شود که شیر کوچولو در قفس نیست، فوراً همه را خبر می‌کند. رادیو اعلام می‌کند که شیری از قفس گریخته و خطرناک است. عده‌ای از شنیدن این خبر خوشحال و عده‌ای ناراحت می‌شوند و دنبال شیر کوچولو می‌گردند اما نمی‌توانند او را پیدا کنند. سرانجام، وقتی نگهبان غذای شیرها را به قفسشان می‌آورد، شیر کوچولو که بوی غذا را شنیده است، ده قدم می‌دود و می‌پرد کنار

ظرف غذا و شروع به خوردن می‌کند. همه خوشحال می‌شوند و به یکدیگر خبر می‌دهند که شیر کوچولو به قفس برگشته است.

مرحله سوم: بازنگری و ویرایش

در این مرحله، خلاصه‌ای را که نوشته‌اید، به دقت بخوانید و خطاهای دستوری، نقطه‌گذاری و غلط‌های املائی را که ممکن است در نوشته‌تان باشد اصلاح کنید. مطمئن شوید که رویدادها با ترتیب درست و مناسب آمده‌اند و شخصیت‌ها درست معرفی شده‌اند. کنترل کنید که نام محل‌ها و شخصیت‌ها درست و با تلفظ صحیح ثبت شده باشد. نکات تکراری، اسامی، ضمیرها و فعل‌های اضافه را حذف کنید. جمله‌های بلند را هم بشکنید و به‌صورت چند جمله کوتاه بنویسید. یادتان باشد که خلاصه حتماً باید روشن و شفاف و بدون ابهام باشد؛ به طوری که هر کس بتواند به راحتی آن را بخواند و بفهمد. پس، اگر ابهامی در متن می‌بینید، آن را از بین ببرید.

● بهتر است خلاصه‌تان را به یک دوست یا یکی از اعضای خانواده‌تان بدهید تا اگر غلطی از چشم شما افتاده است، آن را اصلاح و تصحیح کند.

● نام خود و معلمان را روی خلاصه بنویسید. (بالای برگه، سمت راست یا زیر خلاصه).
● اگر خلاصه‌تان را تایپ کرده‌اید، از آن یک کپی خوانا و تمیز بگیرید. در غیر این صورت، با خط خوش و خوانا، آن را پاک‌نویس کنید. خلاصه‌هایی را که می‌نویسید، در یک پوشه قرار بدهید و نگه دارید. مطمئن باشید که روزی به دردتان می‌خورد؛ زمانی که به سختی سعی می‌کنید قصه‌ای را به یاد بیاورید و نمی‌توانید! آن وقت به سراغ پوشه‌تان می‌روید و لذت خواندن یک کتاب کامل را می‌برید!

منابع

۱. دیکسون، فرانک. ای و اسیت، ساندرا. (۱۳۹۲). حرفه داستان‌نویس. جلد ۲ و ۳. نشر زویش.
۲. مستور، مصطفی. (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه. نشر مرکز.